

چرا خبری از آنارشیسیم در خیابان‌های رم نبود؟

در باب ایده فراموش شده آنارشیسیم



سهند ستاری

زمانی که خیابان‌های شهر برای معترضان و اعتصاب‌کنندگان و مشارش اعتراضی آنها هم‌زمان به پناهگاه و اردوگاه انسان بدل می‌شود تنها باید به یک صدا گوش سپرده: **سهند ستاری**

صدای مردم، یعنی همان اقلیت حذف‌شده‌ای

که منطبق نزاع سیاسی را نه بر کمیت و عدد و ساختار بلکه بر شدت و حالت پیش می‌برد و با ادبیات و منطق خود، اساس ایدئولوژی سرمایه‌داری را که بر دموکراسی صوری و پارلمنتاریسم سوار است به امکان نفی کلیت بحران‌زده وضعیت گره می‌زند. حذف‌شدگانی که تنها زمانی می‌توانند اعتراض کنند که با ادعای «همه شدن» در میابن حاضر شوند و اختلاف جایگاه را نپذیرند. بخشی که هیچ است و به خاطر همین هیچ‌بودنش باید با همه یکی گرفته شود. در پی اعتراض همین «اقلیت‌ها هفته گذشته شهر رم مجبور شد خیابان‌ها و میداين را به معترضان خشمگين و حذف‌شدگانی سپارد که در واکنش به سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولت (التریکو لتا، مارش اعتراضی خود را اجرا می‌کردند و به‌رغم فریادهای گنگ خاتم آلفانو (وزیر کشور ایتالیا) – که آنها را اراذل و لولاش می‌خواند – دولت‌ها را مجبور کردند دست‌کم برای دو روز به منطق اقلیت‌ها تن دهند، منطق حذف‌شدگان و به‌حساب‌نیاآمده‌ها. اما در چند روز گذشته بر خلاف سازماندهی فقر و ریاضت و کویدین بر طبل بازار آزاد در دولت بحران‌زده لتا، میداين رم به محلی برای تقاطع و بر خورد مهاجران، پناهنده‌ها و جوانان ایتالیایی و همه معترضانی تبدیل شد که امکان به‌جا‌رنشستن پیوند عمیق میلانشان آنها را به یک لحظه گره می‌زد؛ امکانی که تو گوئی بیرون از زمان ایستاده و در یک جنبش اعتراضی به لحظه‌ای برای تجربه حضور بدل می‌شود؛ تجربه‌ای که در آن لحظه، آن «جا» را برای چند روز برای مارش ترانسیپونال آماده می‌کند.

در چند روز گذشته در ۱۹ و ۲۰اکتبر در پی این اتفاقات، کنرادن دولت، بیمارستان‌ها، کارگران، پرسنل حمل‌ونقل، آتش‌نشان‌ها و مهاجران و جوان‌های ایتالیایی در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت دست به اعتصاب زده و پلیس را مجبور به برخورد‌های هیجانی کاذب با این اتفاق کردند. نیروهای پلیس در همان روز پس از تظاهرات آرامی که از طرف اتحادیه چپ رادیکال کارگری «کوباس» (the far left Cobas union) سازماندهی شده بود اقدام به دستگیری معترضان کردند. این اعتراضات از این جهت برای اتحادیه اروپا و متحدان ایتالیا مهم بود که ائتلاف متزلزل دولت اتریکو لتا –تخت‌نویز ایتالیا – در تصویب بودجه ۲۰۱۴ تنها چند هفته پس از کسب رای اعتماد از پارلمان، مجدداً با چالش روبه‌رو شده بود. سخنگوی اتحادیه کوباس تأکید داشت که دولت با این بودجه همچنان به کشوری که اکنون به زانو درآمده، آسیب می‌زند. آنها خواهان متوقف‌شدن سیاست‌های ریاضتی هستند چراکه بر این باورند این سیاست‌های اقتصادی تنها به کارگران و طبقه فروپرودت و مستعمری‌بگیران و بیکاران آسیب می‌رساند اما وضعیت به شکلی پیش می‌رفت که گویا شهر رم از روز شنبه خود را برای اعتراضات و شورش‌های گسترده‌تری آماده می‌کند چراکه گروه‌های چپگرا و آنارشیت بنا‌بود دست به راهپیمایی بزنند و این مساله موجب نگرانی خاتم آلفانو شده بود. اما او و دولت لتا از تکرار ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ وحشت داشتند، روزی که شهر رم به تصرف ۲۰۰هزار معترض ایتالیایی‌ای درآمده بود که همراه با اشغال و استریت، طرح ریاضتی اتحادیه اروپا را هو کردند. اما در عمل این اقدام و خبررسائی پلیس حساسیت معترضان را بیش از پیش برانگیخت تا جایی که یکی از تظاهرکنندگان در روز دوم به گرد‌گیری بورژوايز گفت: «فکر می‌کنم امروز به زودخورد نیاز است. درست نیست با این پیش‌رض شروع کرد اما وضعیت به‌قدری دشوار است که به آن نیاز داریم»

اما وحشت دولت لتا تنها به ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ خلاصه نمی‌شود. چند ماه قبل در فوریه ۲۰۱۱ در پی انفجار یک بسته پستی در سفارت شیلی و سوئیس در رم، دولت وقت ایتالیا مدعی شده بود که یک گروه آنارشیت ایتالیایی موسوم به فدراسیون آنارشیت ایتالیا FAI italiana (Federazione Anarchica Italiana) با به‌رغم اعلام دولت، ۲۶دسامبر گروه FAI را اینکه در یادداشتی که پس از انفجار در سفارت شیلی از این گروه برجا مانده، آمده بود: اما تصمیم گرفته‌ایم با حرف و عمل، فریاد خود را به گوش همه برساییم. بگذارید نظام سلطه‌جویی را نابود کنیم. – زندیق آنارشیسیم» اما به‌رغم اعلام دولت، ۲۶دسامبر گروه FAI را اینکه در خرابکاری‌های ۲۰۰۹ میلان همچنان منتهم بود با انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی به زبان انگلیسی علاوه بر تکذیب خبر دست‌داشتن در این بمب‌گذاری‌ها، آن را نیز محکوم کرد. آنها صراحتاً موضوع نتوان آنارشیسیم اعلام کردند؛ اما تظاهرات‌ها به منطق سلطه‌گری و تورریسم دولتی و در پی جملعه آزاد و برابر هستیم و توسط اتحادیه‌های مردمی، مستقل، در بخش‌های اجتماعی و جنبش توده‌ای در کوچه و خیابان‌ها، در شهرستان‌ها، برای جملعه‌ای آزاد حرکت می‌کنیم» این درحالی بود که گروه آنارشیسیتی‌ای که در پیام خود مسوولیت این انفجارها را برعهده گرفته بود، خود را «واحد انقلابی لامبروس فونتانس» معرفی کرده بود. لامبروس فونتانس آنارشیسیت معروف یونانی بود که در ماه مارس در جریان تبادل آتش با پلیس کشته شده بود. با این حال واضح است در سال‌های اخیر تکه‌های جنبش‌های آنارشستی در ایتالیا همواره برای دولت مجالی برای ایجاد رعب و وحشت و سرکوب بوده است، چراکه ترور برای دولت وسیله و بهانه‌ای است که فرصت سرکوب اعتراضات مردمی را فراهم کند و موقعیت مراکز قدرت دولتی را تحکیم بخشد. اما مساله اصلی و آنچه این یادداشت در پی آن است، بررسی تفکر آنارشیسیتی در دوران بحران نظام سرمایه‌داری است. به‌رغم وحشت اکنکار بناپذیر دولتی‌های دست‌راستی ایتالیا از این جریان، کتش – تفکر آنارشیسیتی نمی‌تواند به یک جنبش وسیع و گسترده اجتماعی و سیاسی تبدیل شده نه در قامت آنارشیسیم جمع‌گراییه و نه آنارشیسیم تازه سرپرده از دل نفی گفتار و نه به‌عنوان یک تهدید بین در کف خیابان‌ها. گرچه به نظر می‌رسد با توجه به درگیری‌های مجدد معترضان در ۱۳اکتبر، این‌بار خشم آنان در گلی جدید با خط‌شدگنی هایشان، بحران جدیدی برای دولت به وجود آورده است. برخی از معترضان خشمگين در اعتراض به نبود مسکن کافی برای خانواده‌های کم‌درآمد، مدعی‌شدند هتل‌ها و ساختمان‌های محل را تسخیر کنند. گویی بناسث آنان به این مبارزه ادامه دهند. آنجا بعد از ۱۰روز دوباره خود را به‌عنوان تنها مخالفان واقعی به دولت ایتالیا و سیاست‌های ریاضت اقتصادی و بحران سرمایه‌داری معرفی کردند. هرچند این‌بار ردیابی خشونت نیز به جنبش باز شد.

اصل بر کدام وجه کتش – تفکر آنارشیسیتی است؟

امکان ظهور کتش – تفکر آنارشیسیتی در گفتاری می‌تواند شکل بگیرد که مشی مبارزات

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

جهان



آنارشیسیتی را در ارتباط میان کلیت‌های انتزاعی و وضعیت‌های خاص و با نفی جایگاه خود ترسیم کند تا بتواند ساختار انتزاعی-اضمایی امر کلی را فرو بریزد و فرم کلی ساختار نظام سرمایه‌داری را برهم زند. درواقع مجالی برای تحقق عرصه‌ای رخ‌دادپذیر. گرچه حرکت و جنبش گروه‌های آنارشیسیتی، همواره در پس گزاره پرکاربرد خودسازماندهی؛ تئوریزه «هیچ» و عرصه می‌شود. درواقع آنارشیسیت‌ها با ادعای نفی جایگاه رهبر و اتوریته سازمانی و سلسله‌مراتب و خط‌مشی سیاسی، با نفی جایگاه و موقعیت اجتماعی – سیاسی خود، کل ساختار را نفی می‌کنند. نظیر آنچه در جنبش‌های آنارشیسیتی قرن گذشته رخ داد، در پی رخداد کمون پاریس، چون امکان فراموشی کاپوس شکست و سرکوب اعتراضات هیچ‌گاه فراهم نشده، از این‌رو تجربه ناشی از فقدان تئوری آنارشیسیتی در متن جنبش کارگری آن زمان که مبارزات آنها را در یک بنیست قرار داده بود حرکت و خیزش و پراکسپس‌های انقلابی را دوباره به جنبش بازگرداند. حتی رنسانس آنارشیسیتی قرن بیستم در شورش‌های می ۱۹۶۸ در پاریس و قبل از آن در دیترویت و لس آنجلس که در میان جوانان و دانش‌جویان و روشنفکران رخ داد نیز نشان‌دهنده ترک و شکافی در وضعیت بود که همچون یک امر منفی مولد به انقلاب و شورش‌ها دامن می‌زد. بنابراین اصل تکین کتش – تفکر آنارشیسیتی همانا مقاومت تخریگراییانه در برابر هر تلاشی است که بناسث جهان را در اصلی منفرد محبوس کند و در مقابل هر ایده‌ای که شکلی از سلطه و استیلا را تلاطم می‌بخشد ایستادگی کند. فارغ از اینکه آنارشیسیم ساختار خود را در آنارشیسیم انقلابی یا فورمیسیتی تعریف کرده و فعالیت‌هایش از آشوبگری، ترور، اعتصاب همگانی و براندازی دستگاه دولت تا جنبش‌های مدافع صلح یا طرفداران حفظ محیط‌زستی را دربرمی‌گیرد که پس از آنارشسیم رادیکال در نیمه اول قرن بیستم در جنگ‌های داخلی اسپانیا و ایتالیا گسترده شد، با نتوان آنارشیسیمی روبه‌رو هستیم که قصد دارد سیاست حضور خود را اینچنین تعریف کند: اجتماعی‌کردن وسایل تولید که بنا به ادعای آنها در مقابل نظریه کمونیسم – نظریه‌ای که در عمل به دولتی‌کردن وسایل تولیدی منتهی می‌شود– قرار داد، ایده ایجاد اتحادیه‌های آنارشیسیتی، توزیع برابر امکانات مادی، نفی مالکیت خصوصی که وجه تمیز آنها را از آنارشیسیم فردگرا و جمع‌گرایانه‌مشخص می‌کند.

آیا آنارشیسیم به محاق رفته است؟

اما چرا در متسن مبارزات این‌ روزهای معترضان ایتالیایی، به‌رغم دعوت و هشدار

صدای مردم، صدای همان اقلیت حذف‌شده‌ای است که منطق نزاع سیاسی را نه بر کمیت و عدد و ساختار بلکه بر شدت و حالت پیش می‌برد و با ادبیات و منطق خود، اساس ایدئولوژی سرمایه‌داری را که بر دموکراسی صوری و پارلمانتاریسم سوار است به امکان نفی کلیت بحران‌زده وضعیت گره می‌زند.

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

ادامه از صفحه ۸

انتخابات ذانا غیراسلامی حامیان اسلامگرا دارد

ایران سفارت آمریکا را ۴۴۴ روزه اشغال کرد و کارکنان آن را گروگان گرفت و کسی هم کشته یا زخمی نشد. با این‌حال آمریکا جز روابط سرد کاری نکرده است. این واقعا احمقانه است. شاید دلیل آن این است که تحقیر ملی از شکست در میدان جنگ گران‌تر است. توجه داشته باشید که ایران سال‌هاست خواهان مذاکره با آمریکا در شرایط برابر است و نمی‌خواهد تحت انقیاد آمریکا مذاکره کند.

ایسن وضعیت مضحک سال‌هاست که جا افتاده است. ما در زمان کلینتون سعی کردیم این مشکل را حل کنیم، ۱۱ ا‌سپتامبر پیش آمد و متعصبان جمهوریخواه اعلام کردند «اول عراق بعد ایران». سیاست آمریکا به‌طور فزاینده به وسواس اسراییل نسبت به ایران به‌عنوان «تهدید موجودیت اسراییل» وابسته شد. بوش رفت ولی احمدی‌نژاد هنوز بود. او به‌خوبی فهمیده بود با شیطان بزرگ خوانده شدن آسیبی به ایران نخواهد زد؛ اما مقامات کاخ‌سفید نسبت به هر توهینی به اسراییل حساس هستند. از این‌رو احمدی‌نژاد به اسراییل پدید و واشنگتن بلافاصله واکنش نشان داد. این تاکتیک احمقانه بود چون تحریم‌ها را شدیدتر و به‌موقع هزینه‌اش را هم پرداخت کرد. شاید روحانی و طریف بخواهند مسایل را حل و فصل کنند. من فکر می‌کنم این اتفاق بیفتد، اما گله‌گذاری بر طرف از دیگری پیچیده و پدیداست.

اگر همه چیز خوب پیش برود، ایران موقعیت خود را به‌عنوان صادرکننده بزرگ نفت و گاز بازپخواهد یافت و سرمایه‌گذاری‌های جدید به بخش نفت ایران – و به خط لوله نفت به آسیای جنوبی– قوت می‌دهد. همکاری ایران با افغانستان به لطف آمریکا، به دفع نتایج بدتر در آنجا کمک کرد. ختم غایله مسلحه هسته‌ای ایران به کشورهای خلیج‌فارس اجازه تنفس می‌دهد. دست‌کشیدن ایران از فرستادن کمک برای بشار اسد بهترین فرصت یافتن راه‌حل بر پایه مذاکره را در این عرصه برای بشار اسد بهترین فرصت یافتن راه‌حل بر پایه مذاکره را در این عرصه در اختیار می‌گذارد و اینها نتایج خوبی هستند. آیا چیز بدی هم هست؟ شاید. من نمی‌خواهم وارد بحث اسراییل – فلسطین شوم ولی حرف همیشگی ایران که با توافق طرفین همراهی خواهد کرد به‌نجوی از انجا دوباره پیش می‌آید خواهد شد.

۴ **آیا سیاست‌های کاخ‌سفید به تغییرات در خارومیه پاسخ مناسبی دارد؟ در چه مباحثی می‌تواند بهتر عمل کند و چه چالش‌هایی در این راه برای آمریکا وجود دارد؟**

عجیب است ولی همه سیاستمدارانی که از ۱۱ ا‌سپتامبر به این‌سو در آمریکا به قدرت رسیدند تحت‌تاثیر تئوری مدرنیزاسیون دهه‌های ۵۰ و ۶۰ هستند. الان به این «ملت‌سازی» می‌گویند ولی بر اساس مدل اولیال در ۱۹ کمیسونی که آبرو تشکیل داد تلاش کرد اوضاع را آرام کند. کمیسیون در نهایت پیشنهاد داد به‌جای ساخت فرودگاه جدید، فرودگاه آتلانتیک نانت گسترش یابد و پیشنهاد شد مطالعات تازه‌ای در زمینه سروصداترافیک و محیط‌زیست برای فرودگاه جدید انجام شود. دولت از گزارش کمیسیون استقبال کرد و گفت فعلا به فرودگاه جدید نیاز نیست. مخالفان هنوز معتقد بود طرح فرودگاه جدید به کلی بی‌تعلیل شود. درهر حال، فاعلان می‌گفتند مطالعات جدید افتتاح فرودگاه را به تعویق خواهند انداخت. اکولوژیست‌ها فریاد پیروزی سردادند. در بیانیه حزب سبز آمده بود: «مطالعات جدید از آنجا که عمده دغدغه‌های موجود را دربر می‌گیرد، عملا به «ماوریت غیرممکن» می‌ماند، اگر ماندن حزب سبز این ماجرا را از آخرین موقیبت آنارشیسیت‌ها بدینام، باید دید چه چیز آنارشیسیت‌ها را چنین زمینگیر کرده و تخیل روایی آنها را تسلیم کرده است.

۱۱ ا‌سپتامبر به این‌سو در آمریکا به قدرت رسیدند تحت‌تاثیر تئوری مدرنیزاسیون دهه‌های ۵۰ و ۶۰ هستند. الان به این «ملت‌سازی» می‌گویند ولی بر اساس مدل اولیال در ۱۹ کمیسونی که آبرو تشکیل داد تلاش کرد اوضاع را آرام کند. کمیسیون در نهایت پیشنهاد داد به‌جای ساخت فرودگاه جدید، فرودگاه آتلانتیک نانت گسترش یابد و پیشنهاد شد مطالعات تازه‌ای در زمینه سروصداترافیک و محیط‌زیست برای فرودگاه جدید انجام شود. دولت از گزارش کمیسیون استقبال کرد و گفت فعلا به فرودگاه جدید نیاز نیست. مخالفان هنوز معتقد بود طرح فرودگاه جدید به کلی بی‌تعلیل شود. درهر حال، فاعلان می‌گفتند مطالعات جدید افتتاح فرودگاه را به تعویق خواهند انداخت. اکولوژیست‌ها فریاد پیروزی سردادند. در بیانیه حزب سبز آمده بود: «مطالعات جدید از آنجا که عمده دغدغه‌های موجود را دربر می‌گیرد، عملا به «ماوریت غیرممکن» می‌ماند، اگر ماندن حزب سبز این ماجرا را از آخرین موقیبت آنارشیسیت‌ها بدینام، باید دید چه چیز آنارشیسیت‌ها را چنین زمینگیر کرده و تخیل روایی آنها را تسلیم کرده است.

ادامه از صفحه ۸

داستان آخرین بارقه آثار شیست‌های فرانسه

مبارزه ضدفرودگاه از همه بیشتر برای نخست‌ویز ژان‌مارک آبرو که زمانی دراز شهردار نانت بود، دردرس شد. او و طرفدارانش می‌گفتند فرودگاهی می‌تواند در شرایطی که اقتصاد فرانسه در محاق است، سرمایه‌گذارها را جذب کند. معترضان مانده سیاست فرودگاه را اشغال کردند. فرودگاهی که قرار بود تا سال ۲۰۱۷ تکمیل شود، در ماه نوامبر بیش از ۵۰۰ پلیس ضدشورش سعی کردند سایت را تخلیه کنند. معترضان با پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف پاسخ دادند، پلیس هم با گاز اشک‌آور بازگشت و خشونتی که بر معترضان روداشت صدر اخبار را اشغال کرد. برای کشاورزها تنها معنای مبارزه حفاظت از زمین‌هایشان بود. برای کسانی که نسل‌ها در مزرعه‌ای کار کرده بودند، فروختن و خشک‌کردن آن برای بلند فرودگاه آسان نبود. در حالی که بعضی از صاحبان وسیع‌ترین اراضی کشاورزی راضی به‌فروش شده بودند، خرده‌زمین‌دارها مقاومت می‌کردند. به قول یکی از آنها چطور می‌توان زندگی و رنج پنج‌سئل دهقان را قیمت‌گذاری کرد. او می‌گوید پدر ۸۰ساله‌اش یکی از نخستین کسانی بود که علیه ساخت فرودگاه مقاومت کرد. از ۴۰سال پیش دولت فرانسه برای ساخت چنین فرودگاهی دندان تیز کرده بود. زمانی که در دهه ۹۰ حزب سوسیالیست به قدرت رسید عزمش را برای محقق‌کردن آن جزم کرد. اما طرح به‌واسطه فرآیند پیچیده و آهسته مطالعات کمیته مشورتی خوب پیش رفت. با اینکه کشاورزها در رجزخوانی گفته بودند نانت را یک روزه با را کتوتروهایمان مسدود می‌کنیم؛ ولی واقعیت این بود که این کار بدون کمک هم‌زمان جانشان امکان‌پذیر نبود. رادیکال‌های بیست‌وجندساله‌ای که خودشان را «زادبست» می‌نامیدند، این نام‌گذاری را ترجمه فرانسوی واژه «منطقه مسدوده»، می‌آمد که به کل منطقه سایت فرودگاهی اطلاق می‌شد. زادبست‌ها این واژه را به «منطقه مسدوده» و «منطقه خودمختاری» تعبیر دادند. اشغال سایت فرودگاهی از سال ۲۰۰۹ آغاز شد. آنها در خانه‌های کشاورزی رها شده یا خانه کشاورزانی که از فروش مزرعه امتناع کرده بودند، ساکن شدند. برخی دیگر زمستان را در کلبه‌هایی که در جنگل و خارج روستا ساخته بودند، گذرانند. همه آنها خودشان را «کامبل» معرفی می‌کردند. کمک زادبست‌ها آنقدر بزرگ بود که کشاورزها اذعان کنند بدون زادبست‌ها نمی‌توانستند زمینشان را حفظ کنند. از آن سال در هر مقطع زمانی صدها زادبست در آنجا زندگی کردند. پلیس دسترسی به منطقه را با ایست بازرسی کنترل می‌کرد ولی زادبست‌ها به‌راحتی ایست‌ها را دور می‌زدند. آنها هم به‌نوبه خود استحکاماتی با چوب و سیم ساخته بودند و ورودی‌ها را کنترل می‌کردند. هدف مبارزه برای کشاورزا حفظ زمین‌هایشان بود، در حالی که برای زادبست‌ها مبارزه وسیع‌تر و عمیق‌تر بود. یکی از شعارهای که اطراف منطقه به‌ششم می‌خورد، این بود: «علیه فرودگاه و دنیا‌ی آن» بعضی زادبست‌ها هم از پیش در جنبش‌های ضدجهانی‌سازی و اشغال در اروپا فعال بودند. انطور بخشی از هدف بزرگ‌تر خود که «اموختن با هم زیستن، کشت‌وکار و افزایش استقلال از سیستم سرمایه‌داری» بود، می‌دانستند. به‌قول یکی از کشاورزها «ایده زادبست‌ها خیلی اتوپایی بود، ولی گاهی به اتوپیا نیاز داریم». قدراتی کشاورزها از زادبست‌ها با افکار شعارانه آنها درباره موقعیت رادیکالشان بهمم آمیخت. درگیری گاهی پیش می‌آمد ولی معمول‌تر از آن کار مشترک بود. کشاورزان تراکتورهای خودشان را در اختیار زادبست‌های می‌گذاشتند تا سنگر و کمپ بسازند و تا حدودی غذایشان را تأمین می‌کردند. در عوض برخی زادبست‌ها که مثلاً در زمینه کشاورزی تحصیل کرده بودند به کشاورزان کمک می‌کردند تا پیمایش زمین‌شناسی‌شان را تکمیل کنند.

سرانجام در اول آوریل ۲۰۱۲، کمیسونی که آبرو تشکیل داد تلاش کرد اوضاع را آرام کند. کمیسیون در نهایت پیشنهاد داد به‌جای ساخت فرودگاه جدید، فرودگاه آتلانتیک نانت گسترش یابد و پیشنهاد شد مطالعات تازه‌ای در زمینه سروصداترافیک و محیط‌زیست برای فرودگاه جدید انجام شود. دولت از گزارش کمیسیون استقبال کرد و گفت فعلا به فرودگاه جدید نیاز نیست. مخالفان هنوز معتقد بود طرح فرودگاه جدید به کلی بی‌تعلیل شود. درهر حال، فاعلان می‌گفتند مطالعات جدید افتتاح فرودگاه را به تعویق خواهند انداخت. اکولوژیست‌ها فریاد پیروزی سردادند. در بیانیه حزب سبز آمده بود:</